رفراندم ومسائل هسته ایران

<گاهی افرادی که دارای اختلال شخصیتی هستند به اختلال ذاتی هم دچارمیشوند>

(قسمت اول)

امیرفیض- حقوقدان

پیرواستحضار همگانی، حسن روحانی خواستار همه پرسی شد؛ ولی با آنکه ازموضوع همه پرسی صحبتی به میان نیآورد ولی معلوم است که موضوع همه پرسی مورد نظر او همه پرسی در باره فعالیت هسته ای جمهوری اسلامی است.

او درزمانی که دبیرشورای عالی بود ومذاکرات هسته ای را مدیریت میکرد هم پیشنهاد همه پرسی نسبت به فعالیت هسته ای را مطرح کرد مقصود او ازمراجعه به آرای مردم این بود که مردم مسئول اثرات احتمالی فعالیت های هسته ای ایران شناخته شوند نه دولت.

موضوعی که بسیارباهمیت است این که تز ارجاع فعالیت هسته ای به همه پرسی ازجناح اصلاح طلبان وعنوان کننده آن تز، میرحسین موسوی بوده است (شاید دراین تحریر، مناسبتی سبب توضیح بیشتری بشود).

روحانی درسخنرانی مفصلی که درکنفرانس اقتصادی کشور اخیرا داشت مدعی شد که <براساس قانون اساسی، مسائل مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی وفرهنگی به جای اینکه درمجلس مطرح شود باید مستقیما به آرای عمومی وهمه پرسی گذاشته شود؛ ۳۶ سال است که این اصل اجرا نشده است>

بطلان در ادعای شیخ حسن

در ادعای نغز! شیخ حسن دو بطلان اساسی وجود دارد که نقل آن توسط رئیس جمهوریک کشوری واقعا اسف آوراست.

بطلان اول

بطلان فاحش درادعای شیخ حسن این است که گفته: <رفراندم ماده ۵۹ قانون اساسی، بجای مجلس عمل میکند: «بجای اینکه مشکلات مملکتی درمجلس تصویب شود باید مستقیما به آرای عمومی وهمه پرسی گذاشته شود» (عین عبارت اوست)

خیر چنین نیست. اصل ۵۹ آورده میشود تاشاهد قضیه باشد.

اصل۵۹ - درمسائل بسیارمهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی وفرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی ومراجعه مستقیم به مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس باشد.

مفهوم حقوقی اصل ۵۹

- **اصل مزبور کوچکترین محدودیتی دراعمال قوه مقننه به لحاظ همه پرسی ایجاد نکرده است وبه عبارت دیگر همانطور که مجلس تکالیف قوه مقننه خودرا از راه کمیسیون های متعدد مجلس اِعمال میکند ودرواقع کمیسیونها، ابزار و وسائل مجلس درتصمیم گیری میباشند یکی از آن ابزارها هم مراجعه به آرای عمومی است که قانون اساسی جمهوری اسلامی به کم وکیف آن مقررات دارد.**

بنابراین ادعای شیخ حسن به اینکه <مشکلات مملکتی بجای اینکه درمجلس مطرح شود باید مستقیما به آرای مردم رجوع شود باطل است.

- **درماده ۵۹ بهیچوجه عبارت < باید > که معنای حکم رامیدهدومقابل اختیاراست وجود ندارد و این بدان معناست که مجلس مخیراست که موضوعی رابه همه پرسی ببرد یا نبرد.**
- **اصالت ومجرد ماده ۵۹ حمل براین واقعیت است که همه پرسی ازحقوق قوه مقننه یعنی مجلس است نه قوه اجرائیه ورئیس جمهور.**
- **ماده ۵۹ مقید شده به <مسائل بسیارمهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی وفرهنگی .....> بنابراین هرمسئله ای قابل ارجاع به همه پرسی ازسوی مجلس نیست باید بسیارمهم بودن آن انحصارا بوسیله مجلس معین شود و آن بدان معناست که مجلس وکمیسیون های وابسته نتوانند درتشخیص منافع ملی کشورو رضایت عمومی بنظراکثریتی برسند.**

از اصل ۵۹ چنین مستفاد میگردد، موضوعی که تاکنون درمجلس مطرح نشده به هیچوجه قابل ارجاع به همه پرسی نیست.

آیا مسئله هسته ای ایران قابل ارجاع به همه پرسی ازسوی مجلس اسلامی میباشد یا خیر؟ (بجث آتی)

- **شرط مقرر درماده ۵۹ که دوسوم نمایندگان مجلس باید با ارجاع موضوع به همه پرسی موافقت کنند باین معناست که قانونگزارخواسته است تا آنجا که ممکن است ازارجاع مسائل مملکتی به مردم خودداری شود ومجلس که متشکل ازنمایندگان مردم است وعلی الاصول بیشتر از مردم درمسائل ومشکلات کشور وارد و مسئول است مداخله درامورراداشته باشند.**
- **درقانون اساسی کشورهای دمکرات، بمناسبت تجّلی حاکمیت مردم قانون اساسی بوسیله همه پرسی رسیمت پیدا میکند ازباب نمونه قانون اساسی فرانسه وقانون اساسی ایالات متحده از همه پرسی درتصویب قانون اساسی تبعیت کرده اند؛ آنهم با نصاب سه چهارم اکثریت نمایندگان (آمریکا).**

درقوانین اساسی برخی از کشورها ازجمله قانون اساسی مشروطیت ایران مجلس موسسان جایگزین همه پرسی شده است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی دوماده دررابطه با همه پرسی وجود دارد یکی ماده۱۷۷ که مربوط به بازنگری درقانون اساسی است، ودیگری همین ماده ۵۹ است که شیخ حسن به آن استناد کرده و متن آنهم دربالا آورده شد.

ماده (اصل) بلامصرف

ماده۵۹ درقانون اساسی جمهوری اسلامی ماده بلا اجرا است کما اینکه ۳۵ سال هم سابقه اجرائی نداشته واگربخواهیم قرینه ای برای أن در قانون اساسی مشروطیت ارائه شود میتوان اصل دوم متمم را مشابه گرفت.

- به دلائل بلااجرائی آن باتفاق نگاه میکنیم
- به باورکثیری ازحقوقدانان تصمیم گیری درمجالس مقننه که با تامل ومجال تفکروگفتگو وبا حضور شخصیت هائی که بهرحال درموقعییت نمایندگی مردم قراردارند وازنظردرک واحاطه برمسائل کشورموقعیت برتری راحائز هستند، بمراتب با ارزش واعتباربیشتراست؛ از نتیجه همه پرسی که غالبا توام با هیجانات وتبلیغات ونطق وخطابه ومرید ومرادی بدست میآید (نظرات حقوقی متمایز).
- محققان دانشگاه اکستر انگلستان – پرینستون آمریکا – سوربن فرانسه، درمجله اینترفیس نشریه سلطنتی بریتانیا، شماره ۲۷ آذر ماه نسبت به همه پرسی واعتبار آن، تحقیقی منتشرساخته که فشرده آن این است:

<گرایشهای طبیعی انسان به دنباله روی ازجمع باعث میشود که افراد بیشتربراساس نظراعضای خانواده، دوستان وهمسایه ها تصمیم بگیرند واین باعث تصمیم گیری غلط میشود> همان نشریه تحقیقی نوشته است: <دنباله روی ازجمع مسئول بسیاری ازاشتباهات تاریخی وفجایع بشری شناخته شده>.

- حقوق اسلامی به اعتبارصراحت آیات قرانی ازجمله ۱۰۰ سوره مائده و ۱۱۶ و۱۱۷ سوره انعام اعتباری برای نظراکثریت قائل نیست؛ و صریحا اعلام داشته <تبعیت ازنظراکثرمردم موجب گمراهی مسلمانان است> (مشروح ومفصل بحث مزبور ومستندات اتکائی آن رامیتوانید درتحریر (رای اکثریت درنظام جمهوری اسلامی ملاحظه بفرمائید) [۱]
- یکی ازمفسران قرآنی درتفسیر نوین قرآن درباب بی اعتباری نظرمردم نوشته ای دارد و بدینجهت به اینجا آوره میشود تاهمآهنگی آنرا با نظرمفسرین ومحققین اساتید دانشگاه اکستر انگلستان ملاحظه نمائید، واین تفاهم وهم آهنگی نظر را سندی برای اصالت بی اعتباری همه پرسی درهمه ازمنه های قدیم وجدید، فلسفه اسلام وفلسفه تجدد ودمکراسی گرائی بدانیم.

او نوشته است:

---

[۱] - http://1400years.org/AmirFeyz/RayeAksariyatDarIRI-FT-Amirfeyz-25Nov2014.pdf

<علت اینکه در قرآن اکثریت، نادان معرفی شده این است که اکثریت براساس منطق وفکرصحیح کار نمیکند وراهنمای آنان یکمشت گمان های آلوده به هوس ویک مشت دروغ وفریب وتخمین است، راه حق را باید ازخدا گرفت نه مردم هرچند که طرفداران راه حق اندک باشند.

برخلاف آنچه که دربعضی مسلم شده که اکثریت عددی همواره راه صحیح رامیپیماید قرآن درآیات متعددی این موضوع رانفی کرده وبرای اکثریت عددی اهمیتی قائل نیست .....>. (صفحه۴۹ جلد پنجم تفسیرنوین)

نمونه ها برای بی اعتباری نظرخواهی

خیلی مسائل هست که بابحث نمیتوان موضوع را تجسم داد وارائه نمونه بیشترکارسازاست ازجمله همان نظرخواهی از مردم.

هنگامی که حاج امین الضرب اولین موتور مولد برق رابه ایران آورد ودرتهران نصب کرد مردم از آن دوری میکردند و آنرا چراغ شیطان مینامیدند ومیگفتند هرکس به چراغ شیطان دست بزند میمیرد. امین ضرب برق رامجانی میداد مصرفش راهم رایگان کرد مردم استقبال نکردند حتی سیم کشی داخل خانه ها راهم عهده دارشد بازهم مردم رغبتی نشان ندادند.

اگر درهمان سال راجع به ایجاد کارخانه برق درایران همه پرسی میشد آیا به غیراز پاسخ نـــــه انتظار دیگری بود؛ و آیا حتی یکنفرمیتوانست باورکند که درآن زمان برق در اثرتحولات ونیازجامعه به چه سیری خواهد رسید که بدون برق زندگی ممکن نمیشود.

همه پرسی ازمردم به اینکه آیا انرژی هسته ای میخواهید یا خیر همان اعتباری رادارد که اگردرمورد برق ازمردم ایران همه پرسی میشد.

نمونه های دیگر

بستن خزینه ها ودوش وآب لوله کشی را جایگزین کردن – جمع آوری درشکه ها وفراهم کردن سیستم تاکسی – متوقف کردن هنگ سوار ارتش وتبدیل آن به هنگ موتوری – تبدیل ارتش محلی به ارتش منظم ونظام سربازی و حتی نصب تابلو برای مغازه ها تاسیس دانشگاه وسایرموارد مشابه همه این تغییرات با مقاومت سخت مردم وروحانیون وحتی ارتشیان (درمورد انحلال هنگ های سوار) روبروشد که اگررفراندم میشد مسلما جواب منفی بود.

اساسا درجامعه تشیع ایران هرایرانی باید ازنظریک مرجع تقلید نسبت به تمامی امورزندگی وکسبی و احکام شرعی تبعیت کند دراین جوامع اصلا همه پرسی بی معناست وبجای آن، نظر مراجع تقلید که محدود به چند نفراست، محمول برهمه پرسی است.

مسئولیت مسئولین کشور ومردم

مردم قادربه دیدن دورو آینده نیستند فقط قدری جلوتر ومنافع آنی رامی بینند، ولی انسان های مسئول جوامع، خیلی دورتروفرداهای آینده را باید ببینند درست مانند یک فرمانده نظامی که با دوربین به دورنگاه

میکند ویک سرباز که فقط به جلوی خود نگاه میکند. اینجاست که اگرجامعه با همه پرسی حرکت کندازکاروان ترقی ورفاه مردم بسیار بدور خواهد افتاد، وهمچنان درچنبره آری ونه خواهد چرخید.

سیستم دمکراسی خط بطلان برهمه پرسی کشیده وبجای آن نمایندگان مردم را صاحب نظردانسته است.

(کاش تحریر حاضر به نظراعلیحضرت وکسانی که به همه پرسی برای تعیین نظام کشور متکی هستند برسد)

- حقوقدانان جمهوری اسلامی خاصه شورای نگهبان به عدم مشروعیت رفراندم درجمهوری اسلامی آگاه شده اند که در بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی سال ۶۸ ؛ مجلس تشخیص مصلحت ومرکزتحقیقات استراتژیکی رابوجود آورده اند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ۸ وظیفه برای مجمع تشخیص مصلحت مقررکرده که۲باب از آن ۸ باب یکی حل معضلات نظام با ارجاع ازسوی رهبری است ودیگری تهیه وپیشنهاد سیاست کلی نظام.

که ملاحظه میکنید عملا مجمع تشخیص مصلحت، جایگزین رفراندم ماده ۵۹ شده است.

حقوقدانان جمهوری اسلامی به وجود مجمع تشخیص مصلحت قانع نشده وبرای محکم کاری، مرکز تحقیقات استراتژیکی را درسال ۶۸ بوجود آوردند که درخدمت نهاد ریاست جمهوری بود وازسال ۷۶ بعنوان بخش تحقیقات مجمع تشخیص نظام وارد عمل شد.

هدف ووظائف مرکز مزبور چنین تعریف شده است:

<وظیفه این مرکز انجام مطالعات استراتژیکی درزمینه های مختلف بین المللی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، فرهنگی واجتماعی میباشد – ازجمله تدوین سیاستهای کلی نظام – ارائه مشاوره به رهبری – ارائه راه حل نسبت به معضلات کلان کشور- مرکز مطالعات استراتژیک نتیجه مطالعات خود رابرای مسئولین کشورارسال ودارای نشریه ای بنام فصلنامه است که بفارسی وانگلیسی منتشرمیشود> درتوضیح مرکز وعلت بوجود امدن ان امده است

<طراحی مرکزاستراتژی جامع باسازکاری وانسجام درونی که درعین وفاداری به آرمان های جمهوری اسلامی ازواقع بینی کافی نسبت به توان وموقعیت ملی ومنطقه ای وبین المللی کشوربرخورداباشد مسلتزم نهادی است که با بسیج تمامی توان علمی وکارشناسی کشور، ساز وکاررسمی برای دستیابی به چنین هدفی را فراهم آورد> (گرفته شده از روزنامه همشهری آنلاین)

یعنی مرکزمطالعات استراتژیکی جمهوری اسلامی یک عنوان الکی واسمی نیست بلکه با وفاداری به آرمان جمهوری اسلامی متشکل ازافراد برجسته ودانا وتوانا به تشخیص مشکلات فنی وعلمی وحقوقی و اقتصادی واجتماعی وبین المللی خواهند بود (که بالطبع مسائل هسته ای راهم دربرمیگیرد) دراین صورت آیا میتواند یک آخوند جوان که ادعایش این است که فقط حقوق خوانده سالهای سال رئیس مرکزمزبور باشد.

این مهم رادربهره گیری ازاین تحریر ازیاد نبرید که شیخ حسن روحانی که امروز خواهان همه پرسی برای رفع مشکلات هسته ای کشوراست ازسال ۱۳۷۱ تاسال ۱۳۹۲ یعنی بمدت ۲۱ سال رئیس مرکزمطالعات استراتژیک جمهوری اسلامی بوده وبه عبارت روشن ۲۱ سال بر مصیبت هسته ای ایران اشراف داشته است.

ملاحظه میکنید که مجمع تشیخص مصلحت با داشتن مرکز مطالعات استراتژیک دیگرعملا نیازی به ماده ۵۹ قانون اساسی رژیم نیست ومشکلات کلان اعم ازداخلی وخارجی وعلمی وفنی وغیره بوسیله کارشناسان مرکز استراتژیک حل وفصل وبه مقامات مربوطه داده میشود.

معضل مملکتی چیست

هرچیزی که مانع رسیدن انسان به هدفش باشد درزمره مشکلات ومعضلات شخص شناخته میشود.

ولی این تعریف درمورد معضلات کشور صادق نیست ومیتوان گفت که مشکلات رودرروی کشور، وقتی معضل ویا مشکل کلان شناخته میشود که قانون کم وکیف وبرخورد با آنرا پیش بینی نکرده باشد.

نمونه ای که به آن اشاره میشود میتواند یکی ازمواردی باشد که دولت مشروطه ایران با آن مواجه شد.

دردوره دوم مشروطیت روسها به مخالفت با شوستر آمریکائی که درخدمت دولت ایران بود برآمدند و التیماتومی دادند که ظرف ۶ روز شوستر از ایران خارج شود؛ مجلس تحت تاثیر سخنانی که مدرس و خیابانی ایراد کردند ازجمله اینکه:

<شاید مشیت خداوند براین قرارگرفته باشد که آزادی و استقلال ما به زور ازما گرفته شود ولی سزاوار نیست که ماخودمان بدست خویش آنرا از دست بدهیم>

خیابانی هم درمجلس گفت: <هیچ وقت ممکن نیست ملتی که خودش رازنده تصورمیکند اموراتش را بدست دیگران واگذارکند>.

مجلس درمعضل بزرگی قرارگرفت؛ مجلس تصمیم گرفت اقدام مثبت ویامنفی درمقابل التیماتوم روسیه را به نایب السلطنه واگذارکند که نایب السطنه موافقت نکرد مجلس خواست اختیاررابه دولت بدهد دولت هم زیر بار نرفت ناچارمجلس اختیاررا به ۵ نفرازنمایندگان داد و آنان هم التیماتوم راپذیرفتند ولی دولت مجلس رابه اعتبارتصمیم موافقت با التیماتوم منحل ساخت ودولت پذیرش التیماتوم را به معنای بازگشت سلطه اجانب وسلطه دولت مستبد شناخت.

آری، التیماتوم روسیه یک معضل کلان شناخته میشد، نه مشکلی که ۲۰ سال ریشه اجرائی دارد و وقوع آنهم خارج ازحیطه اقتداردولت جمهوری اسلامی نبوده وکم کم ودراثراشتباه کاری ویا ندانمکاری و به

اعتقاد این بنده برنامه ریزی دقیق با دست اندرکاری شیخ حسن روحانی کشوررا درمقابل معضلی قرارداده که مردم چاره ای جز پذیرش سلطه آمریکا به بهانه فعالیت های اتمی را نداشته باشند. [۲]

مشکل هسته ای ایران از آسمان نازل نشده؛ به خواست ملت ایران، ایران عضویت آژانس را پذیرفته و۱۸۰ کشورهم مانند ایران عضویت آژانس را دارند وهمه آن کشورها مانند ایران ازحقوقی که آژانس به آنها داده بهره مند میشوند؛ آیا تمامی آن ۱۷۹ کشورعضو آژانس همانند ایران مشکل هسته ای معضلی دارند یا خیر؟ و اگر ندارند که ندارند، پس مشکل اتمی ایجاد شده برای ایران ارتباطی به حق استفاده از انرژی اتمی ندارد که مورد سوال قرارگیرد بلکه اشکال دررابطه با عملکرد دولت وهمین شخص شیخ حسن است که با مشکلات جلورفته وبجای متوقف ساختن ویاحل آن به معضل شدن آن کمک کرده است.

معلوم است که تحریر حاضر کافی برای ادای حق مطلب نیست.

ادامه دارد....

مورگان شوستر و همکارانش

---

[۲] - شیخ محمد خیابانی از جناح دموکرات‌ها از مجلس دوم مورگان شوستر را «نه یک آمریکایی که اصلاحگر مالیه ایران» دانست. در آخرین جلسه رسمی مجلس دوم همچنین هشترودی، دهخوارقانی، سلیمان میرزا، متین السلطنه و حاج عزالملک نیز در حمایت از شوستر سخن گفتند.

شوستر درصدد بود که اموال شعاع‌السلطنه در ایران را توقیف کند ولی روسیه که پشتیبان شعاع‌السلطنه بود با این کار مخالفت کرد. دولت روسیه که در خفا با همکاری انگلیسی ها از آغاز با آمدن شوستر مخالف بود در این مورد به دولت ایران اولتیماتوم داد و از دولت ایران خواست تا تعهد دهد که از این پس بدون توافق با سفارت‌های روس و انگلیس دست به چنین اقداماتی نزنند.